

«سیاوش اوستا» شکنجه سکسی آیت الله بروجردی و خانواده و یارانش در ایران



طی ۲۷ سال حاکمیت ملاها بر سرزمین اهورائی ایران، هر روز شاهد نوعی آزار و رنج و شکنجه مردم سرفراز خود بوده ایم. اما برای نخستین بار یک آیت الله از نوع تازه ای شکنجه در جمهوری اسلامی پرده برداشت: «شکنجه سکسی».

از چندی پیش تماس های بسیاری از تهران با ما گرفته می شد در رابطه با ضرب و شتم و فشاری که روی آیت الله حسین کاظمینی بروجردی اعمال می شد.

از این نوع تماس ها زیاد است و همواره من این مسئله را رعایت کرده ام تا خیلی آسان و ساده وارد یک جنگ و جنجال خبری نشوم و همیشه منبع اصلی خبر را به طور جدی چک کرده و می کنم. چنانچه مثلا در پی بازداشت آیت الله ابطحی تا تأیید خبر را از فرزندش محمدعلی نگرقتم، آن را افشاء نکردم. همینطور بود که مسائل و گفتگوی من با آیت الله منتظری، پرفسور نبوی و...

اینبار نیز با آیت الله بروجردی به طور مستقیم سخن گفتم و ایشان موافقت کرد تا برای نخستین بار شخص خود ایشان پرده از حقایق بردارد.

یک مصاحبه سی دقیقه ای با ایشان انجام دادم که به طور ویدیویی روی سایت مهر تی وی دات کام قابل دیدن است. (نشانی اینترنتی را بدین خاطر می دهم که در جهان رقابت های خبررسانی علیرضا میبیدی به من خبر داد که کسی ضمن صحبت با ایشان اصل انجام چنین مصاحبه ای را زیر علامت سؤال برده است).

باری به این ترتیب، از پاریس از طریق امواج به تهران رفته و در نزدیکی پارک اوستا، خیابان اوستا، به خانه آیت الله بروجردی وارد و با ایشان به گفتگو پرداختم.

آیت الله بروجردی فرزند آیت الله محمدعلی کاظمینی بروجردی است که در سال های ۵۰ طی درگیری هایی با دکتر علی شریعتی شهرت ویژه ای پیدا کرده بود و کلاً خانواده بروجردی از روحانیون بنام تاریخ ایران هستند. آیت الله بروجردی به من گفت که مشخصاً از ۱۴ سال پیش آزار و شکنجه ایشان و یارانش توسط رژیم اسلامی شروع شده است و ایشان و یارانش مورد انواع شکنجه ها قرار گرفته اند، روحی جسمی و سکسی.

ده ماه پیش خانم ایشان را دزدیده اند و حدود ده ساعت در حال بی هوشی اجباری بوده است. از آن پس این بانو در شرایط بسیار سخت روحی و جسمی به سر می برد، روی بدنش آثار سیاه و... به چشم می خورد. وقتی از آیت الله بروجردی می خواهم تا در رابطه با چگونگی شکنجه توضیح بیشتری بدهد، ایشان با صدا لای آرام و انبوه گین می گوید که بخشی از شکنجه ها خط قرمز است که من اینک نمی توانم توضیح بدهم اما اسناد و مدارک را به خارج از کشور فرستاده ام در پی تأکید و پافشاری من آیت الله بروجردی می گوید که ایشان را لخت مادرزاد کرده و بعداً مدعی شده اند که از ایشان فیلم هائی دارند.

من به او می گویم که اگر از شما لخت و عریان فیلمبرداری کرده اند با تکنولوژی مدرن می توانند هر مونتاژی را انجام بدهند. اما آیت الله بروجردی اضافه می کند که یاران ایشان را نیز از زن و مرد گرفته و جوانان را نیز مورد شکنجه های جسمی، جنسی (سکسی) و روحی قرار داده اند. بروجردی که نگران جان خود و یارانش و خانواده اش است می گوید مرتب از وزارت اطلاعات با او تماس می گیرند و می گویند که امشب به خانه شما حمله خواهیم کرد. تعداد بسیاری از یاران بروجردی در خانه او متحصن شده اند تا مانع بازداشت آیت الله بشوند.

آیت الله بروجردی معتقد است که پدر ایشان را نیز رژیم جمهوری اسلامی در بیمارستان به قتل رسانده است. وی از تمامی مجامع جهانی می خواهد تا به یاری او همراهان و خانواده اش بشنایند. از او در رابطه با دلیل درگیریش با رژیم می پرسیم، می گوید من مخالف اسلام سیاسی هستم و به تمامی ادیان نیز احترام می گذارم. ماهی یکبار جلساتی را با حضور صدها و هزاران نفر ترتیب می دادم و فقط نیایش می کردیم در آخرین جلسه ما که در ورزشگاه کنسروی برگزار شد هزاران نفر با ما همراه بودند.

به آیت الله بروجردی می گویم در نظامی که هزینه پست نوشتن نامه به امام زمان رایگان است چگونه مزاحم یک آیت الله می شوند برای برگزاری جلسات دعاخوانی.

او می گوید فقط به خاطر این که ما اسلام سیاسی را قبول نداریم و خود را به جمهوری اسلامی نفروخته ایم

www.awesta.net

نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر محمد مصدق

۲۵
تحقیق: جلال متینی

«نویسنده این سطور پنهان نمی کند که وقتی در سال های پیش، کتاب مأموریت برای وطن را در مشهد می خواندم، چون به این عبارت ها رسیدم که شاه از دکتر مصدق قهرمان مبارزه با انگلیس این چنین یاد کرده است، کار شاه را به دور از انصاف و مردانگی دیدم. سال ها گذشت تا این که انقلاب اسلامی طومار پادشاهی محمدرضا شاه را درنوردید و آیت الله خمینی را بر تخت ولایت فقیه نشاند، (با آن که آیت الله خمینی یک بار با اهانت بسیار از مصدق یاد کرد، ولی در عمل، انقلاب اسلامی فرصتی بود استثنائی برای چاپ کتاب های مختلف درباره دکتر مصدق.

چنان که تا زمان نگارش این سطور در ایران متجاوز از بیست کتاب درباره وی به چاپ رسیده است. دلیل این کار ظاهراً چیزی جز این نیست که حکومت اسلامی به مانند دکتر مصدق پیوسته بر این موضوع تأکید می کند که پهلوی ها مخلوق انگلیس ها بودند. چنان که آیت الله خامنه ای رهبر فعلی حکومت اسلامی در سخنرانی خردادماه ۱۳۷۹ خود با اشاره به انقلاب مشروطیت گفت: انقلاب را از مسیر خود منحرف کردند و بعد از چند سال هم سلسله پهلوی را بر سر کار آوردند. در واقع نزدیک به ۶۰ سال حرکت ملت ایران و تحول کشور را عقب انداختند. این کار را انگلیس ها بر سر ملت ایران آوردند» (خامنه ای، اطلاعات بین المللی، شماره ۱۴۶۲) و مصدق به علت نمایندگی در مجلس ششم عذر خواسته بود.

شاه: انگلیس ها وسیله انتخاب مصدق را به استانداری فارس و آذربایجان فراهم آوردند به علاوه، شاه در جای دیگری در کتابش، با توجه به شرط دکتر مصدق برای قبول نخست وزیری، نوشته است: «انگلیس ها وسیله انتخاب وی [دکتر مصدق] را به استانداری فارس فراهم آوردند و پس از آن به استانداری آذربایجان نیز منصوب گردید» (مأموریت، ۱۴۶، ۱۳۷).

دکتر مصدق: دخالت تام سیاست انگلیس در انتصاب من به ایالت

ایدئولوژی نوین اسلام گرایان

هم ثابت شده است که شاه ارتش را از ورود به خیابان ها بازداشت، تا ناآرامی ها ابعادی غول آسا به خود گرفت. به نظر می رسد، مقصود آن بوده است که بهانه ای ایجاد شود تا تبلیغات ملی علیه پایگاه های انگلیسی در درهم بشکند و بتواند وضعیت فوق العاده جنگی اعلام کند. چنین شد و اعضای گروه های پارتیزانی مخالف پایگاه های انگلیسی، اخوانی ها و فعالان سازمان های چپ، بار دیگر خود را در زندان های شاه ملاقات کردند.

انقلاب ناصری

انقلاب ناصر در ۲۳ جولای ۱۳۵۲ همه احزاب سیاسی را ممنوع کرد؛ اما «اخوان المسلمین» یک «انجمن مذهبی» قلمداد شد و فعال باقی ماند بعضی افسران عضو «خونتا» دولت نظامی، با اخوان نزدیک بودند. اما رویای رهبر اخوان المسلمین در آن زمان، «ال-هدییه» برای آن که بتواند نقش پدر معنوی افسران انقلابی را ایفاء کند، تحقق نیافت. به زودی انتقاد اخوان المسلمین از افسران آزاد شروع شد، چرا که آنها به قدر کافی اسلام را در مرکز سیاستگذاری هایشان قرار ندادند. در پی آن، به تاریخ ژانویه ۱۹۵۴ اخوان المسلمین از سوی افسران منحل شد. اما، در جریان جنگ قدرتی که میان زرنرال نجیب و ناصر، در همان سال در گرفت، اخوان المسلمین دوباره قانونی شد. آنها به طرفداری از نجیب برخاستند چون او وعده انتخابات آزاد داده بود و اخوان المسلمین چنین محاسبه می کردند که در آنها می توانند در زمان از هم پاشیده شدن احزاب بزرگ مصر، بخت زیادی برای برنده شدن داشته باشند. اما پس از آن که ناصر بر نجیب پیروز شد، اخوان المسلمین قراردادی را مورد حمله قرار دادند که ناصر قراردادی را با بریتانیای ها، که او پس از مذاکرات طولانی و پافشارانه آن را منعقد کرده بود، در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۵۵ امضاء کرد. ناصر توانست در این مذاکرات انگلیسی ها را به ترک منطقه کانال وادار کند، اما مجبور شد در رابطه با سودان عقب نشینی کند و بپذیرد که در آینده یک همه پرسی برای پیوستن به مصر یا استقلال در سودان برگزار شود.

اخوان المسلمین معتقد بودند که، هر مذاکره ای با انگلیسی ها بی فایده است، نباید با انگلیسی ها صحبت کرد، بلکه باید علیه آنها جنگید. در ۲۶ اکتبر ۱۹۵۴ در یک اجتماع سیاسی در اسکندریه به ناصر سوء قصد شد. یک عضو اخوان المسلمین متهم به این سوء قصد شد خوداخوانی ها تا به امروز می گویند این یک توطئه پلیسی بوده است. موجی از سرکوب سنگین بر اخوان المسلمین آغاز شد: شش تن از رهبران شان به دار آویخته شدند هزاران تن از اعضای آن روانه زندان ها و اردوگاه ها شدند. آنها در زندان و اردوگاه یکبار دیگر رقبای قدیمی خود، فعالان چپ مصر را ملاقات کردند. با وجود این فشارها، اخوان المسلمین، به حیات مخفیانه اش ادامه داد.

(بقیه در شماره آینده).



پیشرفت این مرام نگرده، این بود که بعد از ورود به شیراز پس از چند ساعت عده ای به تلگرافخانه رفتند و انتصاب مرا به آن ایالت از دولت درخواست کردند و من قبل از این انتصاب کوچکترین ارتباطی با سیاست انگلیس نداشتم و حتی یک نفر انگلیسی را هم نمی شناختم و عدم ارتباطم با آن سیاست به حدی بود که سفارت انگلیس در رم حاضر نشد راجع به امضای تذکره من از خطه هندوستان با درخواست اسحق مفخم الدوله وزیر مختار ایران در رم که از دوستان من بود موافقت کند و من ناچار شدم سفری از طریق قفقاز به ایران بکنم. ولی به واسطه انسداد راه قفقاز به ایران پس از چهار ماه مسافرت باز به سوئیس مراجعت نمایم»

دکتر مصدق: تأثیر به سزای سیاست انگلیس در انتصاب من به ایالت آذربایجان

«و باز اعتراف می کنم که سیاست انگلیس نه فقط در انتصاب من به ایالت فارس بلکه در انتصاب من به ایالت آذربایجان نیز اثری به سزا داشت چون که در تبریز کودتائی شده بود و حاج مخبرالسلطنه والی دست از کار کشیده بود و اعتلاء السلطنه وزیر پست و تلگراف از طرف حسن پیرنیا مشیرالدوله با من وارد مذاکره شد که سفری به تبریز کنم

عفو بین الملل: حزب الله

مر تکب جنایات جنگی شده است

دولت اسرائیل گزارش سازمان عفو را رد کرد و رفتار ارتش خود را منطبق با قوانین رایج در زمان جنگ دانست. در درگیری های جنگ جنوب لبنان، حدود ۱۰۰۰ لبنانی جان خود را از دست دادند که بیشتر آنها غیرنظامی بودند. در سوی مقابل ۱۶۱ اسرائیلی کشته شدند که بیشتر آنها نظامی بودند.

در ۱۲ ژوئیه حزب الله در یک درگیری مرزی دو سرباز اسرائیلی را به اسارت گرفت. به دنبال آن ارتش اسرائیل به جنوب لبنان حمله کرد.

سرپیچی کمیته سنا از طرح

مورد نظر جورج بوش

یک کمیته سنای آمریکا با تأیید لایحه ای که مظلومان خارجی تروریسم را از محافظت های حقوقی بیشتری از آنچه کاخ سفید می خواهد برخوردار می کند، شکستی را بر رئیس جمهور این کشور تحمیل کرده است. این کمیته با ۱۵ رأی در مقابل ۹ رأی از لایحه مزبور که رئیس جمهور آمریکا قول اسناد آن را داده است حمایت کرد.

چهار سناتور جمهوری خواه به ۱۱ عضو دموکرات کمیته خدمات مسلح مجلس سنا پیوستند تا طرحی را که مایلیم تر از لایحه پیشنهادهی کاخ سفید است تصویب کنند.

در تحولی چشمگیر همچنین کالین پاول، وزیر خارجه آمریکا در چهار سال نخست ریاست جمهوری جورج بوش، از جمهوری خواهانی که با لایحه مورد نظر بوش مخالفند حمایت کرده است.

خبرنگاران می گویند که این انشعاب در داخل حزب جمهوری خواه ممکن است به بخت جمهوری خواهان در انتخابات میان دوره ای ماه نوامبر صدمه بزند.

سناتور ها استدلال کردند پیشنهاد های بوش عملاتعرفی تازه از کنوانسیون ژنو در مورد منع شکنجه ارائه می کند تا به این ترتیب امکان برخورد شدید با بازداشتی های اردوگاه خلیج کوئانتانامو در کوبا فراهم آید.

جان مک کین، جان وارنر و لیندزی گراهام سه سناتور برجسته حزب جمهوری خواه بودند که با این استدلال که لایحه مورد نظر رئیس جمهور بیش از پیش به مرعیت اخلاقی آمریکا در جهان لطمه خواهد زد، خلاف میل جورج بوش رای دادند.

فارس

و اما دکتر مصدق درباره این که شاه نوشته است «انگلیس ها وسیله انتخاب وی را به استانداری فارس فراهم آوردند»، در «عرض جواب» نه فقط این امر را رد نکرده، بلکه آن را به صراحت مورد تأیید نیز قرار داده است:

«آری به طوری که شاهنشاه فرموده اند سیاست انگلیس در انتصاب من به ایالت فارس دخالت تام داشت. من در اروپا بودم که در دولت حسن پیرنیا مشیرالدوله به وزارت عدلیه منصوب شدم و از طریق هندوستان عازم ایران گردیدم. ورودم به شیراز تصادف کرده بود با استعفای داتی من فرمانفرما که والی فارس بود. نظر به این که در آن عصر والی هر ایالت شخص مقتدری بود که در تمام امور مربوط به آن استان دخالت می نمود و اختیارات یک والی با اختیارات یک استاندار کنونی بسیار فرق داشت و فارس هم یک محل پر درآمدی بود که بعضی از رجال نفع پرست در طهران داوطلب ایالت فارس شده و سعی می کردند فرمان انتصاب خود را بگیرند و تبلیغات کمونیستی هم در ایران سیاست استعمار را نگران کرده بود و می خواستند شخص بی غرضی در این استان وارد کار شود که عدم رضایت مردم موجب

انگلیس در دخالت تام سیاست انگلیس در انتصاب من به ایالت